

تطور معنایی واژه «نسخ» در روایات اهل بیت علیهم السلام

* سید محمد نقیب

** طیب دهنوی

چکیده

نسخ یکی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی است که مصادیق و عدد آن مورد کاوش‌های علمی قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. مهم‌ترین علت این جستجو و مذاقه پژوهشی، ابهام در تعریف و تحدید این واژه به دلیل تطورات واژه «نسخ» است. پژوهش حاضر، با روشی توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای به تحلیل و بررسی و تعیین معنای واژه «نسخ» با توجه به لغت و با استمداد از کتاب‌های علوم قرآنی ابتدا به تعریف اصطلاحی آن در عرف قرآن‌پژوهان پرداخته است؛ سپس با جستجوی تاریخی در منابع روایی شیعه موارد کاربرد آن را شماره و در نهایت با توجه به علم معناشناسی، و تطور معنایی واژه «نسخ»، جایگاه این واژه در احادیث شیعه در دو دوره متقدمان و متأخران استخراج شده است و مشخص می‌شود با توجه به قرائن و نشانه‌های معنایی در بافت احادیث شیعه واژه «نسخ» گستره معنایی وسیعی داشته و به معنای محدود امروزه نبوده است.

واژگان کلیدی: نسخ، تطور معنایی، کتب روایی، ادوار حدیث شیعه، معناشناسی.

* استادیار گروه علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، (نویسنده مسئول). amin200057@yahoo.com

** دکتری مدرسی معارف اسلامی (گرایش قرآن و متون) دانشگاه قرآن و حدیث، Hedayat385@gmail.com

مقدمه

نسخ یکی از مفاهیم مهم علوم قرآنی است و در قرآن آیات منسوخ در کنار آیات محکم و غیر منسوخ وجود دارد. پیش نیاز دریافت معارف قرآنی و یا استنباط احکام فقهی، تشخیص آیات محکم و غیر از آیات منسوخ است تا مبدا یک فقیه در مقام فتوا و یک قاضی به هنگام صدور حکم، آیات منسوخ را مورد فتوا یا قضاوت قرار دهد.

همواره میان قرآن پژوهان در تعداد آیات منسوخ اختلاف بوده است؛ به طوری که ابوبکر نحاس در کتاب *الناسخ و المنسوخ*، صد و سی و هشت آیه را منسوخ پنداشته؛ در حالی که سید ابوالقاسم خویی تنها به نسخ یک آیه از قرآن معتقد بود و هادی معرفت تعداد آیات نسخ شده را بیست و اندی می‌داند.

در مبحث تاریخی نسخ، پای صحابه و تابعین در میان است، از این رو به عقیده برخی پژوهندگان، در قرآن مجید آیه منسوخ یافت نمی‌شود و به زعم ایشان نسخ تنها امکان وجود دارد و به وقوع نپیوسته است که این ادعای اغراق آمیز با حکمت ربوبی و اعجاز در کار بست مفردات قرآنی ناسازگار است.

واژه نسخ در اصل به معنای زُدایشی است که با اثبات چیزی همانند در آن جایگاه تحقق می‌یابد. این واژه در طول دوره های حدیثی و پس از عصر نزول تحولاتی را در معانی مجازی تجربه کرده است. نسخ امروزه تنها، جایگزینی حکمی به جای حکمی دیگر است. به این معنا که حکم سابق به کلی منسوخ و حکم ناسخ جای آن را بگیرد. این تحول در ادبیات علوم قرآنی بسیار جدی بوده و شایسته است مورد

مطالعه و کنکاش محققانه قرار گیرد؛ زیرا زبان پدیده‌ای جاری و برخوردار از حیات اجتماعی است و کلمه در مسیر انتقال از گذشتگان به آیندگان با عبور از نسلی به نسلی دیگر دستخوش تغییر و تحول می‌شود.

پیشینه بررسی درباره نسخ به قرن اول هجری و نخستین تالیف در این باره به قرن دوم هجری باز می‌گردد. نخستین کسی که درباره نسخ، کتاب نوشت، ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمان أصم مسمعی، از اصحاب امام صادق علیه السلام و سپس عده‌ای از اصحاب امام رضا علیه السلام بودند. در میان اهل سنت افراد بسیاری چون قتاده بن دعامه، ابوداود سجستانی، ابوجعفر نحاس و ابن جوزی در این زمینه تألیف دارند. اما در زمینه معناشناسی واژه نسخ در احادیث کاری صورت نپذیرفته است؛ هرچند از سایر زوایا پژوهش‌های بسیار انجام شده است که از جمله آنها: بررسی تطبیقی نسخ در قرآن سید عبدالرسول حسینی زاده، نسخ در قرآن، عزت الله مولایی نیا و در میان پایان نامه‌ها، «بررسی نسخ آیات قرآن با محوریت شبهات نقد قرآن دکتر سه‌ها» توسط مینا امامی با راهنمایی علی لطفی و در میان مقالات نیز، «بررسی نسخ و اقسام آن در آیات قرآن»، محمد فاکر میدی و... را می‌توان از این جمله برشمرد که فهرست کاملی از آنها در مقاله کتاب‌شناسی ناسخ و منسوخ آئینه پژوهش ۱۳۷۶ شماره ۴۳ آمده است.

با وجود این تالیفات، تطور معنایی واژه نسخ در ادوار حدیثی، مورد توجه مفسران و دانشمندان علوم قرآنی قرار نگرفته، به‌ویژه آن که ناسخ برخی از احکام و مفاهیم قرآن در سنت یافت و تبیین شده است و زیربنای بسیاری از مباحث اصولی، فقهی، کلامی و تفسیری است و عدم شناخت صحیح آن، تأثیر و تبعات فراوانی در احکام و عقاید در پی خواهد داشت.

مطالعه پیش رو بر آن است با کنکاش در منابع، تطور این واژه در بافت احادیث

شیعه را مورد توجه و دقت قرار داده و به این سوال پاسخ دهد که آیا واژه «نسخ» در بیان روایات شیعی و در سیر عبور از دوران مختلف حدیثی تطور و دگرگونی معنایی داشته است یا از تغییر و تحول معنایی مصون بوده است؟ سپس با کاربرست دانش معناشناسی به تحلیل نتایج حاصل از کاربردهای مختلف واژه نسخ در دو دوره متقدمان و متأخران پرداخته و به این سوال پاسخ دهد که تمایز مفهوم نسخ میان متقدمان و متأخران چیست؟

در یک دسته‌بندی کلی، مقصود از دوره متقدمان، قرن اول تا پنجم هجری است در این دوره حدیث شیعه از سوی معصومان صادر شده و اصحاب و راویان آن را به رشته تحریر کشیده تا در اختیار طبقه پس از خود قرار دهند. مقصود از دوره متأخران، دوره پیدایش جوامع حدیثی شیعه است که از ابتدای قرن ششم آغاز و تا طبقه معاصران امتداد می‌یابد. بدیهی است که حدیث شیعه به یک معنی حاصل دوره متقدمان است و متأخران به طبقه بندی، تکمیل و تدوین آن همت گمارده‌اند (معارف، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷-۱۹۸).

این نوشتار تنها به بحث واژگانی «نسخ» و تطور معنایی آن پرداخته و هرگونه نقد و یا داوری درباره متن و سند احادیث و اعتبار کتب و روایان را به عهده عالمان فقه الحدیث، رجال و درایه نهاده و گاه شرح مختصری داده تا بافت کلام را دریافته و به فهم تفسیری معنای واژه یاری رساند.

۱. تبیین مفاهیم پایه

۱-۱. علم معناشناسی

دانش معناشناسی، مطالعه علمی معناست، همچنان که زبان شناسی، مطالعه علمی زبان است و منظور از مطالعات علمی، توصیف پدیده‌های زبانی معنا در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری است (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۲۷). به بیان دیگر معناشناسی

تغییرات و تحولاتی را که در طول زمان بر یک واژه حمل می‌شود، در قالب بسط مفهومی، قبض مفهومی، ترفیع معنایی و تنزل معنایی مورد مطالعه قرار می‌دهد (سعیدی روشن، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

۲-۱. تطور معانی الفاظ

بخشی از معانی که واژگان با خود دارند به سبب پویایی زبان‌ها در بستر زمان دچار دگرگونی می‌شوند. غرابت، توسعه یا ضیق مفهومی و یا ترفیع و تنزل معنایی می‌یابند شرح کوتاه هر یک از این مفاهیم چنین است:

- غرابت: «غریب» در لغت، ضد قریب است از این رو به کسی که دور از وطن باشد غریب گویند و به سخن غیر مشهور و ناآشنا غریب گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۴۰).

علم «غرابت» یا واژگان پژوهی در شمار دانش‌های علوم قرآن و حدیث است و مقصود از غریب الفاظی است که تمام طبقات در فهم آن یکسان نبوده و پی بردن به معنای آن نیازمند دقت و تعمق است. در حدیث نبوی چنین بیان شده است:

«أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَالتَّمَسُّوا غَرَائِبَهُ؛ قرآن را فصیح بخوانید و (معانی) واژه‌های دشوار آن را جستجو کنید» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۷۰).

- بسط مفهومی: مصداق دیگری از این تطورات تعمیم یا گسترش دایره معنایی لفظ، است که در آن، تعداد چیزهایی که یک واژه بر آن دلالت دارد، افزایش پیدا کرده است (آلاتور، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱).

قبض مفهومی؛ به این معناست که کلمه در یک دوره، بر معنای وسیعی دلالت داشته است و در اثر گذشت زمان و رخدادهایی دچار ضیق مفهومی شده است و به تعبیر علم زبان شناسی تعداد اشیائی که یک واژه بر آن دلالت می‌کند رو به کاستی نهاده یا مفهوم تخصصی‌تری پیدا کرده است (آلاتور، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲).

- ترفیع معنایی: گونه دیگری از تطور معنایی که در آن لفظی در گذر از برهه ای از زمان به مقطع زمانی دیگر، به مفهومی که دارای بار عاطفی مثبت و غنی تر از مفهوم گذشته تغییر یافته است (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۳۰).

- تنزل معنایی: در معناشناسی تاریخی، فرایند تغییر معنی واژه به بار عاطفی منفی در بستر زمان با عبور از یک دوره زمانی به برهه زمانی دیگر که در آن دلالت لفظ بر معنا نسبت به مفهوم گذشته اش، منفی می شود (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۳۸)؛ نظیر تعبیر «ابی لهب» و برای همسرش «حمالة الحطب» در سوره مسد برای تنزل موقعیت عبدالعزی بن عبدالمطلب، به کار رفته از این رو گاه تغییر معنایی به منظور تنزل مخاطب است.

۱-۳. بافت کلام

بافت، فضایی است که جملات زبان در آن تولید می شوند. این فضا می تواند درون متنی یا بافت برون زبانی (بیرون از زبان) باشد که به صورت مجموعه ای از جمله های زبان پیش و پس از هر جمله آمده باشد (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۱۹)؛ به بیان دیگر، برای فهم صحیح متن، تنها شناخت واژگان کافی نیست، بلکه ساختار ترکیبی که واژه در آن قرار گرفته است دستیابی به معنا را ممکن می سازد. از این رو یک واژه در ساختارهای مختلف، معانی متفاوتی را با خود حمل و یا مفهوم جدیدتری را خلق می کند. این ویژگی زبانی که آن را، سیاق و مقام سخن نیز گفته اند، در علم تفسیر و معناشناسی از اهمیت ویژه برخوردار است.

۱-۴. مفهوم نسخ

نسخ در لغت به معنای زایل شدن چیزی به چیز دیگری است که پس از آن می آید و یا زایل شدن حکمی به حکمی پس از آن است و به معنای استنساخ نیز آمده است (راغب، ۱۳۷۶، ص ۵۱۱) و در اصطلاح به معنای برداشته شدن تشریع سابق - که حسب ظاهر اقتضای دوام داشته - به تشریع لاحق است به گونه ای که امکان جمع بین دو

حکم وجود نداشته باشد (معرفت، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۶۷). نکته قابل توجه آن است که نسخ در تعابیر عالمان گذشته در معنایی عام نسبت به تعریف ارائه شده به کار می‌رفته و برای تخصیص، تقیید و هرگونه تغییر حکم واژه نسخ استعمال می‌شده است (همو، ص ۲۶۶).

۲. کاربردهای نسخ در کتب روایی متقدم شیعه (قرن اول تا پنجم هجری)
با نگاهی به روایات نسخ در دوره متقدم، می‌توان برای کاربرد نسخ دو معنا در دو بازه زمانی یافت:

۱-۲. قرن اول تا سوم (استعمال در مفهوم لغوی)
اولین مکتوب حدیثی شیعه روایتی از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که مردمان فرض ولایت و تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله به آن را تصدیق کرده‌اند، ولی پنداشته‌اند روایت دیگری که در آن حضرت فرموده است: «خداوند نبوت و خلافت را برای ما جمع نمی‌کند» آن را نسخ کرده است (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۳-۶۳۰).

کاربرد لغوی واژه نسخ در چنین بافت و ساختاری ناسازگار است. در واقع جعل و تحریف معنوی در اصطلاح نسخ رخ داده و چنین نسخی برخلاف سیره عقلاست که شواهد بسیاری بر این مدعا اقامه شده است (برای تفصیل بحث، ر.ک قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۶)، در صحیفه سجادیه، عمیر بن متوکل روایتی را از پدرش نقل می‌کند که در دیدار با یحیی بن زید بن علی، نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را همراه داشته و یحیی از آن نسخه‌ای برای خود رونویسی می‌کند. تا این زمان لفظ نسخ از نظر معنایی بدون تغییر و تطور معنایی حضور دارد.

در نیمه اول قرن سوم، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام تالیف یافته و در ذیل آیه ۱۰۶ سوره بقره «نسخ» را برداشته شدن حکم بنا بر مصلحت مردمان دانسته و با فراز پایانی آیه، آن را به نسخ شرایع پیوند می‌زند (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۴۹۲-۴۹۱).

تفسیر قمی نیز که از تألیفات قرن سوم و در شمار کتب تفسیر روایی متقدم است، به اقتضای مقام، ذیل آیات قتال (بقره: ۸۳) و فرمان پیکار (توبه: ۳۰) و در آیه نجوا (مجادله: ۱۲)، «نسخ» را در معنای لغوی منطبق بر معنای اصطلاحی به کار برده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۱ و ج ۲، ص ۳۵۷)؛ ولی در بافت روایتی دیگر که در آن راوی از معنای آیه «ن وَالْقَلَمُ» (قلم: ۱) سؤال می‌کند، سخن از کتاب مکنون است که آفرینش در آن ثبت است و در تقریب مفهوم نوشته‌ای برابر با اصل، «إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه: ۲۹) را شاهد آورده است (همان، ج ۲، ص ۳۸۰). در این هم‌نشینی مفهوم نسخ غنی‌تر شده و این خود، نوعی ترفیع معنایی است؛ ثبت در کتاب مکنون، اشعار به این مطلب دارد که اگر حکمی در علم الهی به احکام شریعت مدت‌ش معلوم باشد و با انقضای مدت، حکم برداشته شود، تبدیل و دگرگونی در صفات و افعال الهی نیست.

از دیگر کتب روایی، تفسیر فرات کوفی است که ذیل سوره براءت در آیه دوم، فرصت چهار ماهه به مشرکین داده می‌شود و در پی آشکارشدن نشانه‌های نقض پیمان، مهلت یاد شده در آیه پنجم به «فَإِذَا انْسَلَخَ...» (آیه سیف) نسخ شده است (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶۳-۱۶۲)؛ هر یک از این آیات، ناظر به شرایط خاصی از ضعف یا قدرت مسلمانان است و با تغییر موضوع حکم تغییر می‌یابد و جایی برای قول به نسخ نمی‌ماند.

۲-۲. قرن چهارم و پنجم (بسط مفهومی و ترفیع معنایی)

عیاشی که در آغاز قرن چهارم به سر می‌برده با نقل روایت محمد بن صفار در یکسان بودن معنای نسخ با معاصرین خویش هم‌سو است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۸). محمد بن حسن طوسی که مهم‌ترین حلقه اتصال میان طبقه متقدمان و متأخران است، در کتاب اختیار معرفه الرجال که گزیده رجال کشی است، روایتی را آورده که در آن از معنای تناسخ پرسش می‌شود (خویی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴۴). نسخ در این بافت در

واقع همان معنای انتقال از چیزی به چیز دیگر است؛ از این رو پیروان عقیده به انتقال روح آدمی از بدنی به بدنی دیگر پس از مرگ را (التَّنَاسُخِيَّة) گویند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰۲). این معنا هر چند کاربرد گسترده‌ای نداشته؛ اما ذیل معنای لغوی در بسیاری از کتب به آن اشاره شده است.

در تَهذِيبِ الاحْكَام در حدیثی نبوی آمده است: ماه رمضان تمامی روزه‌ها را نسخ کرد و... (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۳). در این بیان نسخ در معنای اصطلاحی استعمال شده است؛ یعنی از سایر اقسام روزه و... حکم شرعی وجوب برداشته شده است و شاید در شرایع گذشته، به این احکام با تفصیل بیشتری عمل می‌شده است و با تشریع آئین اسلام، عمل به آن، در این احکام انحصار یافت.

در کتاب / استبصار آمده است: زراره بن اعین از امام محمد باقر (ع) درباره (حلیت از دواج با) زنان پاکدامن از اهل کتاب (مأئده: ۵) سؤال می‌کند و حضرت پاسخ می‌دهد: این آیه نسخ شده است و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (ممتحنه: ۱۰)، (همو ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۱۷۹).

گسترده‌گی دایره معنایی، مصداق دیگری از تطورات واژه نسخ است. در نیمه اول قرن چهارم کلینی در الکافی روایتی از یکی از صادقین (ع) آورده است که در آن سخن از رفق و مدارای خداوند با بندگان است و حضرت می‌فرماید:

«... خداوند هنگامی که اراده برداشتن امری نماید آن را به فرمان دیگری

نسخ فرماید تا در نتیجه شدت تشریع و سنگینی انجام یکباره آن سبب سستی

نشود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۸).

مفهوم این روایت آن است چون خداوند اراده بر تحریم امری مباح و مرسوم داشته، مرحله به مرحله و با ملایمت تشریع می‌فرموده است تا لغو یکباره آن بر مکلفان دشوار نیاید.

در این بافت، نسخ به معنای تدریج در بیان احکام است که تدبیر ربوبی و از باب مدارای الهی با بندگان است. شاید با تمسک به گستردگی مفهوم بندگان که غیرمسلمانان و غیر از آیات قرآن را هم در برمی گیرد بتوان از آن «نسخ شرایع» و نه نسخ آیه ای به آیه ای دیگر را نتیجه گرفت. به نظر می رسد در اینجا قبض معنای داده است؛ زیرا نسخ برداشته شدن کل الحکم است، بنابراین نسخ منطبق بر معنای اصطلاحی و معنای لغوی نیست؛ بلکه همان تخفیف و تدریج و در نهایت تخصیص عام است. واژه نسخ در این روایت به معنای جمع نمودن میان عام و خاص آیات به کار رفته که در آن، تخصیص حکم عامی از قرآن در آیه ای دیگر بیان شده است.

در ادامه این دوره شاگرد کلینی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم نعمانی که از راویان پرسفر به شمار می رود، از واژه نسخ مفهوم جدیدی را در بافت روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کند که در دعوت مردمان به پذیرش ولایت آنان را با تشبیه کنایی «يَا مَنْ نُسخَ مِنْ أَصْلَابِ أَصْحَابِ السَّفِينَةِ: ای کسانی که از تبار کشتی نشستگانید» مورد خطاب قرار می دهد و نجات آنان را پناه بردن به سفینه نجات ولایت می داند (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۴۴). در این مقام، نسخ به معنای جانشین و آنچه که در پی چیز دیگر می آید به کار رفته است، و این همان افزایشی است که گاه در قیاس با ترکیب واژگان هم نشین و در بافت کلام، شکل می گیرد. در واقع حکمی که در گذشته بر مردمان قوم نوح جاری بوده بر افرادی که جانشین آنان هستند، سرایت داده است و معنای لغوی انتقال چیزی به چیز دیگر را توسعه بخشیده و بسط مفهومی آن «جانشین و بازمانده» را از واژه نسخ متبادر ساخته که با مفهوم اصطلاحی آن متفاوت است.

ابن بابویه در کتاب *عیون اخبار الرضا* روایتی را نقل می کند که فهم ترکیب آن از توان کتب لغت خارج است. حتی مترجمین گرانقدر این اثر نیز نتوانسته اند معنای ترکیب «قائم بلانسخ» را منتقل سازند؛ زیرا در حوزه معنایی واقع شده است که فهم

حقیقی آن دشوار بوده و غریب‌نگاران نیز به آن نپرداخته‌اند. در این روایت منازعه بر سر دو حدیث به ظاهر متناقض است که معیار عمل را چنین بیان کرده: «پس اگر (حکمی) در حلال کردن چیزی که خداوند حرام ساخته و یا تحریم آن چیزی که حلال ساخته یا کنار نهادن فریضه‌ای، در کتاب خدا، آمده باشد و ناسخی هم آن حکم را نسخ نکرده، پس اخذ آن جایز نیست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۰). پس اینجا نسخ در معنای اثبات به کار رفته است، زیرا اثبات یک حکم نتیجه برداشته شدن حکمی و استوار ساختن حکمی دیگر است.

در دیگر اثر روایی ایشان، واژه «نسخ» در مفهوم لغوی و به معنای نوشتن نامه به کار رفته است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۶۹-۳۶۴).

از دیگر معاصران ابن بابویه، ابن شعبه حرانی مؤلف *تحف العقول* است در نقل بخشی از فرمان امیر المؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر آورده است که: «ما اهل بیت پیغمبریم که آیات محکم قرآن را استنباط می‌کنیم، محکم و متشابه را می‌شناسیم و آیات ناسخ را از آیات منسوخ، که خداوند حکمش را نسخ، و سنگینی بار تکلیف آن را برداشته، در ک و استخراج می‌کنیم» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۵).

از دیگر متون حدیثی دوره متقدمان، کتاب *نهج البلاغه* است که در بیان اصناف قرآن به مفهوم اصطلاحی نسخ چنین اشاره می‌فرماید: وجوب احکامی در قرآن معین، و نسخ آن در حدیث روشن است، و قسمتی از تکالیف، اجرایش بنابر سنت واجب، و ترکش بنابر قرآن، مجاز (امور استحبایی) است. وجوب برخی از احکام تا زمانی معین پا برجا، و پس از انقضاء مدت زائل شدنی است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴). این سخن به ویژگی انقضاء مدت عمل به دسته‌ای از احکام از سوی شارع اشاره می‌کند و این معنا مطابق با اصطلاح رایج در علوم قرآنی است. در این بافت از کلام امیر سخن، «نسخ» گسترش معنایی یافته و بر معنای لغوی آن معنایی افزوده شده

است و پایان مدت عمل، دلیل رفع حکم عنوان شده است. در جایی دیگر از این کتاب در بیان صفات ملائکه کلمه نسخ در معنای لغوی و به معنای زدودن و برداشتن به کار رفته و می‌فرماید:

«(فرشتگان) اعمال گذشته خود را بزرگ نشمارند، زیرا اگر بزرگ شمارند، امید آنان به حق باعث زدودن رشته‌های خوف آنان از عذاب می‌شود» (همان، ص ۱۳۱).

در این روایت «نسخ» به معنای اولیه خود یعنی ازاله الشی و از بین بردن به کار رفته است. به نظر می‌رسد هم‌زمان با رواج آن در احکام و علوم قرآنی معنای نخستین هم متروک نشده و همچنان استعمال داشته است. باز در نهج البلاغه در وصف حضرت رسول ﷺ می‌فرماید:

«...كُلَّمَا نَسَخَ اللَّهُ الْخَلْقَ فِرْقَتَيْنِ جَعَلَهُ فِي خَيْرِهِمَا لَمْ يُسْهِمْ فِيهِ عَاهِرٌ وَلَا ضَرْبٌ فِيهِ فَاجِرٌ... خداوند هر گاه بندگان را دو گروه کرد پیامبرش را در بهترین گروه قرار داد، آلوده دامن و بدکاره را در تبارش سهمی نبود» (همان، ص ۳۳۰).

در این بافت از کلام امیر سخن، واژه نسخ از معنای منفی خود مبنی بر زدوده شدن به معنایی اثباتی و دارای بار عاطفی مثبت ترفیع یافته است.

جدول احادیث دوره متقدمان (قرن اول تا پنجم) که واژه «نسخ» در آن به کار رفته است

*	کاربرد واژه نسخ	منابع	نشانه‌های معنایی در بافت کلام	نوع تطور
	برداشتن و ازاله حکم نوشته‌ای برابر ۷۶ ق با اصل	سلیم بن قیس الهلالی د یا ۹۴۵ ق	فرض ولایت با حدیث نبوت و خلافت باهم جمع نمی‌شود.	اصل لغوی برداشتن
			نسخه‌برداری و نوشتن از روی اصل و اشاره به کتاب علی علیه السلام	اصل لغوی استنساخ
	نوشتن از روی اصل	الصحیفة السجادیة، د ۹۴۵ ق	کاربرد ماده نسخ همراه با کتاب	اصل لغوی استنساخ
	برداشتن و ازاله حکم	التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام د ۲۶۰ ق	برداشته شدن حکم و تبدیل آن به دلیل مصلحت	بسط مفهومی
	نسخه‌برداری از الواح	بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله د ۲۹۰ ق	نوشتن بر پوست گوسفند، جفر و در برداشتن علم اولین و آخرین	اصل لغوی استنساخ
	برداشتن و ازاله حکم نوشتن از روی اصل	تفسیر القمی د ۳ ق	۱ - فرمان پیکار ۲ - آیه نجوا	اصطلاح شرعی
			۳ - نسخه‌ای از کتاب مکنون	ترفع معنایی
	برداشتن و ازاله حکم	تفسیر فرات الکوفی د ۳۰۷ ق	تبدیل فرصت چهارماهه مشرکین به آیه بشارت به عذاب الیم	اصطلاح شرعی
	برداشتن و ازاله حکم (انقضای مدت عمل)	تفسیر العیاشی د ۳۲۰ ق	ناسخ ثابت و مورد عمل و منسوخ قبلا مورد عمل بوده است	

* کاربرد واژه نسخ	منابع	نشانه‌های معنایی در بافت کلام	نوع تطور
برداشتن و ازاله حکم	تهذیب الأحکام د ۴۶۰ ق	نسخ وجوب برخی احکام	
برداشتن و ازاله حکم	الغیبة (للتوسی) کتاب الغیبة للحجة د ۴۶۰ ق	استنساخ از توقیع	اصل لغوی استنساخ
برداشتن و ازاله حکم	الاستبصار فیما اختلف من الأخبار د ۴۶۰ ق	نسخ ازدواج با زنان اهل کتاب	اصطلاح شرعی
تناسخ (مسخ) نوشتن از روی اصل	رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال د نیمه اول قرن ۴ ق	از تناسخ پرسیده شد، فرمود همان نسخ اول	بسط مفهومی
		نسخه برداری از توقیع	استنساخ
تدریج در بیان احکام تخصیص عام برداشتن و ازاله حکم	الکافی د ۳۲۹ ق	از باب رفق و جلوگیری از سنگینی یکباره احکام	بسط مفهومی
		بی‌اعتنایی به خاص موارد عام جماعت صوفیه	ضیق مفهومی
		سخن از تبدیل حلیت متعه به تحریم	اصطلاح شرعی
جانشین و بازمانده	الغیبة للنعمانی د ۳۶۰ ق	نجات - کشتی نشستگان - تبار	بسط مفهومی
قائم بآنسخ غریب الحدیث	عیون أخبار الرضا د ۳۸۱ ق	همراهی با واژه رسم یعنی امرکننده و بَیِّن به معنای توضیح دهنده	غریب الحدیث
سبک کردن بار	تحف العقول د ۳۸۱ ق	«وضع» در لغت بر تخفیف، سبکی و فروافتادن چیزی دلالت دارد و «إِصْرَ» به معنی بار سنگین است	بسط مفهومی

* کاربرد واژه نسخ	منابع	نشانه‌های معنایی در بافت کلام	نوع تطور
نوشتن	الخصال د ۳۸۱ ق	همراهی با نامه و نوشتن بخشی از سوره براءت در آن نوشتن	اصل لغوی
رفع و اثبات	نهج البلاغه د ۴۰۶ ق	زدودن و ازبین بردن	اصل لغوی زدودن
برداشتن و ازاله		اثبات و ایجاد	ترفع معنایی
حکم		دربیان اصناف قرآن	اصطلاح شرعی

۳. کاربردهای نسخ در کتب روایی متأخران علمای شیعه

با نگاهی به روایات نسخ در دوره متأخر، میتوان برای کاربرد نسخ دو معنا در دو بازه زمانی یافت.

۳-۱. قرن ششم تا یازدهم (استعمال در معنای اصطلاحی)

مهم‌ترین فعالیت‌های حدیثی در دوره متأخران تدوین جوامع حدیثی بر مبنای جوامع حدیثی دوره متقدمان از جمله کتب اربعه و جز آن‌ها می‌باشد. البته در فهم حدیث شیعه ویژگی‌هایی همچون عنصر تقیه، مبارزه با فرق انحرافی و اوضاع سیاسی-فرهنگی ... را نباید از نظر دور داشت (معارف، ۱۳۸۸، ص ۳۶۸).

واژه نسخ با پشت سر نهادن تطوراتی چند در دوره متقدمان، نخستین استعمال آن در متون حدیثی قرن ششم در کتاب *فقه القرآن* راوندی است. او روایتی از عامه در احکام وضو، دائر بر نسخ مسح بر خفین با آیه «فاغسلوا وجوهکم» را مطرح می‌کند (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۵). در این ساختار سخن از نسخ سنت به وسیله نص قرآن و حکم مسح بر روی کفش در وضو گرفتن است که واژه نسخ در اصطلاح شرعی کاربرد یافته و فقها با ادله به تبیین حکم صحیح آن پرداخته‌اند.

توضیح سخن آن که نسخ در لغت را رفع آیه‌ای با اثبات آیه دیگر گفته‌اند و در اینجا نسخ سنت با آیه مطرح است. به نظر می‌رسد چون سنت و قرآن در تشریع قابل تفکیک نیست، از باب غلبه، تنها آیه ذکر شده که سنت را هم در اشمال خود دارد، پس تطوری بر معنا حاصل نشده است.

طبرسی نیز در کتاب/حتجاج درباره اولویت حمد بر تسبیحات در دو رکعت اخیر نماز روایتی را آورده است که: نسخ در آن به معنای اصطلاح شرعی و برداشته شدن آن به واسطه حکم دیگر است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۱).

در قرن هشتم هجری دیلمی کتابی را در مواعظ قرآن، سنت و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام گردآوری کرده و در حدیثی از آن، امام علی علیه‌السلام در مناظره با فردی یهودی به بیان اختصاصات امت اسلام پرداخته است که در ضمن آن، کلمه «نسخ» را در ترکیب «نسخ تمامی کتب آسمانی» به کار برده است (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۱۴).

نسخ در این جایگاه به جهت آن که در دوره متقدمان استعمال داشته و بسط مفهومی خود را از قبل دریافت داشته در همان معنی رایج شرعی استفاده شده است. در قرن نهم ابن فهد حلی نیز کتابی در عرفان عملی می‌نگارد و در آن روایتی از جویریة بن مسهر از امام علی علیه‌السلام کرامتی را نقل می‌کند و حضرت در پایان می‌فرماید: «... فَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ بِنَسْخِ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِكَ. مَنْ أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ شَيْئًا فَلْيَقْضِ لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَهُ» (القائات) را از قلبت بردايد» (ابن فهد، ۱۴۰۷ق، ص ۹۸).

در این روایت «نسخ» به معنای ازاله و از بین بردن به کار رفته که در همان معنای لغوی است.

در نیمه اول قرن دهم نیز محقق کرکی در موضوع فقهی متعه کتابی تالیف می‌کند که در آن آمده است: عبد الرحمن بن أبی لیلی به اسناد بسیاری روایت می‌کند که از علی علیه‌السلام پرسیدم؛ آیا در آیه متعه چیزی نسخ شده است؟ فرمود: خیر

(کرکی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵). نسخ در این مقام به معنای برداشته شدن حکم شرعی است و از تبدیل حلیت متعه به تحریم سخن رفته است.

سید شرف الدین شاگرد و معاصر ایشان هم ذیل تفسیر آیه نجوا، نسخ را در همین معنای شرعی به کار برده است (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۴۸).

ابن ابی جمهور نیز که او هم از فقها و علمای قرن دهم است، می نویسد: روایت شده است هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه آمد میان مهاجرین و انصار پیمان برادری برقرار ساخت و در نتیجه آن مهاجرین از انصار و بالعکس ارث می بردند پس از مدتی این حکم با ارث بردن به واسطه نسبت و خویشاوندی نسخ گردید (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۹۲). در بافت این کلام، نسخ در اصطلاح شرعی استعمال داشته و چون شرایط مسلمین تغییر کرده بود، با عوض شدن موضوع، حکم جدیدی برای موارد تشریع شد.

۳-۲. قرن یازدهم تا معاصران (قبض و تحدید معنایی)

در قرن یازدهم، شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه حدیثی را از امام صادق علیه السلام در بیان ناسخ و منسوخ به نقل از تفسیر نعمانی آورده و یادآور می شود در نتیجه تغییر شرایط مسلمین آیه قتال، آیه کف و خودداری از جهاد را نسخ کرد؛ از این رو آیه ۶۵ انفال را ذکر کرده که در آن آمده است؛ هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند. سپس آیه ۶۶ سوره انفال را که خداوند سبحان می فرماید: اکنون خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی هست. پس اگر از شما یکصد تن شکیا باشند، بر دویست تن غالب می شوند، و اگر از شما هزار تن [شکیا] باشند، به اذن خدا بر دو هزار تن غالب می گردند و آن گاه می افزاید این آیه ماقبلش را نسخ کرده است. از این رو بر مؤمنین (در آیه اول) در جنگ ها واجب شد، حتی اگر چند تن مشرک در

مقابل یک تن مسلمان باشد، گریز از لشکر انبوه جایز نیست؛ اما در آیه بعد چنانچه تعداد دشمن دو تن در برابر یک تن بود فرار از میدان نبرد جایز است.

در ارزیابی معنایی واژه نسخ می‌توان گفت چون در مدینه شرایط تغییر یافته و مسلمین توان دفاعی داشتند، خودداری از نبرد به فرمان جهاد بدل شد و این همان مفهوم شرعی واژه است؛ اما در ادامه آن‌جا که سخن بر سر تعداد نفرات در جنگ و وظیفه افراد سخن می‌گوید، به نظر می‌رسد می‌توان درباره معنای واژه «نسخ» فارغ از ساختار جمله، به همان ظاهر آیه تمسک کرد که از باب تخفیف به بندگان است و آن را از مصادیق تطور معنایی واژه بدانیم؛ زیرا افزایش معنای تخفیف به معنای لغوی و ذکر تغییر شرایط، بسط مفهومی واژه را در پی داشته است؛ اما اگر اصطلاح نسخ را با توجه به بافت سخن در نظر آوریم، امداد الهی در غلبه بر دشمن با تعداد اندک در شمار احکام نیست و از باب تفضل الهی است و از مصادیق نسخ نیست.

در همین کتاب و باز به نقل از همان منبع پیشین، روایتی از امام علی علیه السلام آورده است که فرمود: در آیاتی که نصفی از آن منسوخ و نصف دیگر آیه به حال خودش رها شده، نسخ رخ نداده است و جوازی بر چنین قصدی وجود ندارد و می‌افزاید: مسلمانان با اهل کتاب از جمله یهودیان و مسیحیان ازدواج می‌کردند. تا این که آیه نازل شد: «با زنان مشرک ازدواج نکنید تا زمانی که ایمان بیاورند» (بقره: ۲۲۱) و ازدواج مسلمانان با مشرکان ممنوع شد، سپس خداوند این حکم را با آیه پنج سوره مائده که می‌فرماید: «ازدواج با زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن از اهل کتاب، در صورتی که مهریه آنان را بپردازید بر شما حلال است» نسخ کرد و بعد از نهی، ازدواج با آنان را آزاد کرد و عمل به آیه: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ...» ترک شد در حالی که نسخ نشده بود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۵۳۸).

این دو آیه در مقام بیان دو موضوع جداگانه هستند. برخی پنداشته‌اند آیه نخست، ازدواج با همه کفار را تحریم کرده، بنا براین آیه ۵ سوره مائده که اجازه ازدواج با کفار اهل کتاب را می‌دهد، ناسخ این حکم است؛ ولی روایت بیان می‌دارد که نسخی صورت نگرفته است. شاید بدان جهت است که آیه در سوره بقره در مقام بیان احکام تشکیل خانواده است و در سوره مائده فقط نظر به ازدواج با بت‌پرستان دارد، نه کفار اهل کتاب، مانند یهود و نصارا. از این رو به نظر می‌رسد رابطه میان این دو آیه از باب تخصیص عام می‌تواند باشد و در معنا شناسی هر گاه از دایره شمول واژه کاسته شود این کاهش در معنا از باب قبض مفهومی است.

وسائل الشیعه در روایتی دیگر به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام آورده است:

«فرائض در باب قصاص از جمله احکام ناسخ در تورات است و این فرموده خداوند متعال است که: «بر آنان در تورات مقرر کردیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم» (مائده: ۴۵) که در نتیجه آن مرد و زن، آزاد و برده یکسان هستند. پس از آن خداوند آنچه در تورات بود با آیه: «ای افرادی که ایمان آورده‌اید، حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده» (بقره: ۱۷۸) نسخ کرد؛ بنابراین حکم قصاص نفس در برابر نفس نسخ شده است» (حر عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۸۶).

با توجه به بافت کلام نسخ در اینجا به معنی تخصیص به کاررفته است. در واقع آیه اول از نظر معنی، روشن و از نظر حکم، ثابت و پابرجاست و نسخ نشده است. آیه دوم نیز دارای مفهوم و معنای مستقلی است که هیچ تنافی با مفهوم آیه اولی ندارد تا آن را نسخ کند، زیرا در آیه اول در بیان حکم عام، آزاد و برده یکسان قصاص می‌شوند، اما در آیه دوم در مقام تشریع اصل قصاص و بیان حدود آن است و با تعیین شرایط، شمول آن تضییق شده و در واژه نسخ تضییق مفهومی رخ داده و در

آن آیه قبل را به شروطی مقید ساخته است که در برابر آزاد، برده را نمی‌توان قصاص کرد.

در کتاب هدایه/الامه نیز روایتی در باب تغییر و جایگزین کردن جنس کفن مردگان آورده است که خود تصریح می‌نماید نسخ نبوده، بلکه از باب تقیه است (همو، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۶۸). با توجه به مشهور در سیره مسلمین که نباید کسی را در کفن ابریشم و یا زربفت دفن نمود، نسخ به معنای تغییر دادن احکام در توجیه مطلب، بیان می‌شود و تطوری نیز در بافت کلام متصور نیست.

مجلسی در کتاب بحار/الانوار - با حذف احادیث مشابه - سه مورد از این واژه را در استعمالات حدیثی نقل کرده و در روایتی امام موسی بن جعفر علیه السلام آورده است: «اعمال انسان را که فرشتگان گمارده شده بر بندگان نوشته‌اند، با نسخه‌ای از اعمال ایشان که اسرافیل در لوح محفوظ ثبت کرده، مطابقت داده می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۲۵).

در این روایت، نسخ به معنی نوشتن و نقل نوشته‌ها بدون کم و کاست و در معنای لغوی است. در نوشتن ادعیه نیز به همین معنا (نوشتن) آمده است. بحار به نقل از نعمانی از امیرالمؤمنین روایت می‌کند که: آیه مبنی بر ورود قطعی همگان به جهنم (مریم: ۷۱) به این سخن خدای تعالی: «کسانی که پیش‌تر وعده نیکو دریافت کرده، از آن دور داشته خواهند شد» (انبیاء: ۱۰۱) نسخ شده است. در این بافت از سخن، نسخ به معنای تقیید به کار رفته است؛ زیرا شمول حکم عام ورود به جهنم با جدا ساختن گروهی از مؤمنین تضییق شده است (همان، ص ۳۰۶). در باب ۱۲۸ بحار/الانوار، مجلسی رساله مفردی را به نقل از نعمانی از ابتدا تا انتها نقل کرده است که در آن نسخ به معنای محو و تحریف بالتقصیه به کار رفته است و چون این سخن قائلی ندارد و هیچ کس به آن ملتزم نشده است، شایسته قرار گرفتن در دامنه پژوهش نبوده و از آن صرف نظر شد.

جدول احادیث دوره متاخران و شکل گیری جوامع روایی که واژه "نسخ" در آن به کار رفته است

*	کاربرد واژه نسخ	منابع	نشانه‌های معنایی بافت کلام	نوع تطور
	برداشتن و ازاله حکم	فقه القرآن د ۵۷۳ ق	احکام مسح برخفین	اصطلاح شرعی
	برداشتن و ازاله حکم	الاحتجاج (للطبرسی) د ۵۸۸ ق	نسخ گفتن تسبیح به حمد	
	جایگزین کردن احکام اسلام و نسخ شرایع	إرشاد القلوب (للدیلمی) د ۸۴۱ ق	نسخ تمامی کتب با قرآن	
	ازاله و از بین بردن	عدة الداعی د ۸۴۱ ق	دعوت به سوی خدا بازدودن القائات شیطانی	اصل لغوی
	برداشتن و ازاله حکم شرعی	خلاصة الإيجاز فی المتعة د ۹۴۰ ق	عدم نسخ در متعه	اصطلاح شرعی
	برداشتن و ازاله حکم شرعی	تأویل الآيات الظاهرة د ۹۴۰ ق	تنها عمل کننده به آیه نجوا	
	برداشتن و ازاله حکم شرعی تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۰۴ ق	عوالی اللئالی د ابتدای قرن ۱۰	نسخ ارث به واسطه هم پیمانی	
	برداشتن و ازاله حکم شرعی	وسائل الشیعة د ۱۱۰۴ ق	نسخ در موارث	
			نسخ در عده وفات	بسط مفهومی
			نسخ در سوره نحل	قبض مفهومی
	برداشتن و ازاله حکم شرعی	هدایة الأمة د ۱۱۰۴ ق	در تبدیل و تغییر در احکام مربوط به کفن کردن	اصل لغوی

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در نخستین مکتوبات حدیثی که از قرن اول تا پایان قرن سوم قمری در دست است، این مفهوم در معنای لغوی رایج بوده است و از قرن سوم تا پایان قرن پنجم در کنار به کارگیری مفهوم لغوی در اصطلاح شرعی با بسط مفهومی و ترفیع معنایی به کاررفته است و از قرن پنجم تا پایان قرن یازدهم متأخران، آن را در معنای اصطلاحی بیشتر به کار بسته‌اند؛ ولی فهم آن نیازمند دقت نظر است. در طی فرایندی که بیان شد، به نظر می‌رسد نسخ در روایات شیعه در معنای «برداشتن» نهادینه شده و این امر سبب شده تا به سایر شروط نسخ شرعی کمتر توجه و اقبال نشان داده شود و حیطه آن تخصیص، تعقید و حتی تفصیل را در بر گرفته و مفهومی کلی و مبهم از آن دریافت گردد. از این رو این شیوه سبب شد تا در عصر معاصر تحدید معنایی صورت پذیرد و با قرار دادن شروطی، تعریف جامع و مانعی برای نسخ ارائه گردد. از این رو نسخ در کتب روایی متقدمان و متأخران تا قرن یازدهم به طور کلی با مفهوم نسخ در معنای امروزی متفاوت است.

فهرست منابع

* قرآن کریم؛

* نهج البلاغه؛

* صحیفه سجاده؛

۱. آلاتور، آنتون، (۱۳۸۴ ش)، درآمدی بر زبان شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛

۲. احسائی، ابن ابی جمهور، (۱۴۰۵ ق)، عوالی اللئالی، به کوشش مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء للنشر؛

۳. ابن شعبه، حسن، (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین؛

۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ ق)، عده الداعی، به کوشش احمد موحد قمی، تهران، دار الکتب الاسلامی؛

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، به کوشش جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الصادر؛

۶. استرآبادی، شرف الدین علی، (۱۴۰۹ ق)، تأویل الآیات الظاهره، به کوشش حسین استاد ولی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی؛

۷. حسن بن علی، تفسیر، (۱۴۰۹ ق)، قم، مدرسه الإمام المهدی علیهم السلام؛

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، به کوشش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۹. _____، (۱۴۱۴ ق)، هدایه الأئمه، به کوشش بنیاد پژوهش های اسلامی مشهد، ناشر آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الاسلامیه؛

۱۰. خویی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵ ق)، البیان فی التفسیر القرآن، ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هاشم زاده هریسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛

۱۱. دیلمی، حسن، (۱۴۱۲ ق)، *إرشاد القلوب*، قم، ناشر الشریف الرضی؛
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم؛
۱۳. راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۵ ق)، *فقه القرآن*، به کوشش احمد حسینی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی؛
۱۴. صدوق، (۱۳۶۲ ش)، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری قم، جامعه مدرسین؛
۱۵. _____، (۱۳۷۸ ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، به کوشش مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان؛
۱۶. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، *الاحتجاج*، به کوشش محمدباقر موسوی خراسان، مشهد، نشر مرتضی؛
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ ق)، *الاستبصار*، تصحیح خراسان، حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه؛
۱۸. _____، (۱۴۰۷ ق)، *تهذیب الاحکام*، تصحیح خراسان، حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه؛
۱۹. عیاشی، محمد، (۱۳۸۰ ق)، *تفسیر عیاشی*، به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعه العلمیه؛
۲۰. کرکی، علی بن عبدالعالی، (۱۴۱۳ ق)، *خلاصه الایجاز فی المتعه*، به کوشش علی اکبر زمانی نژاد، قم، کنگره شیخ مفید؛
۲۱. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ ق)، *اختیار معرفه الرجال*، محمد بن حسن طوسی، مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی، به کوشش مهدی رجایی، قم، بعثت؛
۲۲. کلینی، محمد، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران دار الکتب الإسلامیه؛

۲۳. کوفی، فرات، (۱۴۱۰ ق)، *تفسیر فرات کوفی*، به کوشش محمد کاظم، تهران، مؤسسه طبع و نشر وزارت ارشاد اسلامی؛
۲۴. قدردان قراملکی، محمدحسن، (۱۳۸۶ ش)، «امام علی و توجیه‌های مخالفان»، *فصلنامه قیاسات*، سال دوازدهم، شماره ۴۵؛ قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر قمی*، به کوشش طیب موسوی جزائری، قم، دار الکتب؛
۲۶. قیس هلالی، سلیم، (۱۴۰۵ ق)، *کتاب سلیم بن قیس*، به کوشش محمدباقر انصاری، قم، الهادی؛
۲۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی؛
۲۸. معارف، مجید، (۱۳۸۸ ش)، *تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی*، تهران، کویر؛
۲۹. معرفت، هادی، (۱۳۸۹ ش)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید؛
۳۰. نجاشی، أحمد بن علی، (۱۴۱۶ ق)، *الرجال*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی؛
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ ق)، *الغیبه للنعمانی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.